

تفاهم نانوشته میان خاویر سولانا و علی لاریجانی، مقرر شد که همین پیشنهاد مبنای گفت‌وگوهای بیشتر دو طرف برای رسیدن به یک راه‌حل میانه قرار بگیرد.

هر چند ایده تشکیل کنسرسیوم هرگز جنبه عملی پیدا نکرد، اما محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت ایران در مصاحبه با رسانه‌های خارجی بارها این ایده «سخت‌مندان» ایران را به عنوان راهکاری برای پایان دادن به اختلاف‌ها عنوان کرد. این ایده بار دیگر در دوران تصدی سعید جلیلی به عنوان مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران مطرح شد. رسول موحدیان عطار، سفیر وقت ایران در لندن سال ۱۳۸۷ بار دیگر پیشنهاد تأسیس کنسرسیوم تولید سوخت هسته‌ای را در خاک ایران به‌عنوان پیشنهاد ایران در مقابل «ابتکار جامع» خاویر سولانا، کمیسر وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا مطرح کرده‌بود. پیشنهاد جدید ایران تشکیل چند کنسرسیوم تولید سوخت هسته‌ای در نقاط مختلف دنیا، از جمله ایران بود که به صورت متمرکز توسط طرف‌های خارجی مدیریت و نظارت شوند.

سال ۱۳۸۹ ایران پیشنهاد به‌روزشده‌ای را برای تشکیل کنسرسیوم ارائه داد. علی‌اکبر صالحی، رئیس وقت سازمان انرژی اتمی پیشنهاد داد که کنسرسیوم غنی‌سازی مشترک ایران و روسیه تشکیل شود که در قالب آن بخشی از فرآیند غنی‌سازی در خاک ایران و بخشی از فرآیند غنی‌سازی در خاک روسیه انجام شود و ایران بتواند تحت لیسانس روسیه سوخت مورد نیاز را آکنورهای خود را تولید کند. سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه در واکنش به این پیشنهاد تأکید کرد که روسیه در زمینه غنی‌سازی سوخت هسته‌ای به ایران اعتماد ندارد. وی گفت: «اطلاعاتی را درباره اینکه ایران تصمیم گرفته برای اهداف نظامی، غنی‌سازی کند در اختیار نداریم ولی اعتماد کاملی هم نداریم که کل برنامه هسته‌ای ایران، صلح‌آمیز است. به همین دلیل اظهارات صالحی برای تشکیل کنسرسیوم هسته‌ای با روسیه، نیازمند تحلیل بیشتری است.»

▼ نظارت متقابل

به نظر می‌رسد که مسئله کنسرسیوم در شرایط فعلی، با توجه به پیشرفت برنامه غنی‌سازی بومی ایران تا حدود زیادی منتفی باشد. در واقع اگر قرار باشد نهاد جدیدی تأسیس شود، این نهاد ناظر بر برنامه غنی‌سازی است که تحت مالکیت ایران قرار دارد. به این ترتیب شاید نزدیک‌ترین ایده به تشکیل یک نهاد جدید برای نظارت بر چرخه سوخت هسته‌ای ایران، تکرار تجربه مشترک برزیل و آرژانتین باشد. برزیل و آرژانتین به عنوان دو رقیب منطقه‌ای در دهه ۱۹۸۰ هر دو دارای برنامه‌های هسته‌ای بودند. با توجه به نگرانی‌ها نسبت به تمایل حکومت نظامیان در برزیل برای ساخت سلاح هسته‌ای، آرژانتین هم در رقابت با همسایه بزرگ خود، برنامه‌هایی را برای توسعه فنی زیرساخت‌های هسته‌ای در سر داشت. این رقابت با تحولات سیاسی در هر دو کشور و تشکیل حکومت‌های دموکراتیک، به نوعی همکاری مشترک برای رفع نگرانی‌های متقابل تبدیل شد. دو طرف تصمیم گرفتند برای اطمینان نسبت به صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای یکدیگر، یک نهاد مستقل دو جانبه تشکیل دهند که بر اساس آن بازرسان برزیلی و آرژانتینی بر برنامه هسته‌ای کشور مقابل نظارت کنند و با ارزیابی مواد هسته‌ای موجود و تأسیسات هسته‌ای در خاک دو کشور، از عدم انحراف برنامه هسته‌ای یکدیگر اطمینان حاصل کنند. در صورتی که عربستان سعودی نیز برنامه خود را برای ایجاد چرخه سوخت هسته‌ای بومی در خاک این کشور پیش ببرد، آنگاه تجربه برزیل و آرژانتین در تشکیل نهاد موسوم به آژانس برزیلی-آرژانتینی حسابرسی و کنترل مواد هسته‌ای (ABACC) می‌تواند الگویی قابل قبول برای همکاری تهران و ریاض در حوزه هسته‌ای و برطرف کردن نگرانی‌های طرف مقابل باشد.

۶۰ درصد سهام آن متعلق به فرانسه و ۴۰ درصد سهام آن متعلق به ایران بود، وارد کنسرسیوم تولید سوخت هسته‌ای اورودیف (EURODIF) شد، با توجه به سهم ۲۵ درصدی سوفیدیف از این کنسرسیوم، مجموعاً ۱۰ درصد از کل سهام اورودیف به ایران تعلق گرفت. بلژیک، فرانسه، ایران، ایتالیا و اسپانیا سهام‌داران این کنسرسیوم تولید سوخت هسته‌ای بودند. ایران یک میلیارد و ۱۸۰ میلیون دلار وام برای توسعه اورودیف در اختیار این نهاد قرار داد. زمانی که تأسیسات اورودیف در فرانسه آغاز به کار کرد، انقلاب اسلامی در ایران پیروز شده‌بود. به این ترتیب اورودیف نسبت به اجرای تعهدات از جمله بازپرداخت وام دریافتی و واگذاری سوخت هسته‌ای و رادیوایزوتوپ‌های دارای کاربرد پزشکی به ایران خودداری کرد. فرانسه مدعی است که قرارداد با ایران در سال ۱۹۹۰ پایان یافته‌است و اورودیف دیگر تعهدی برای واگذاری اورانیوم غنی‌شده به ایران ندارد.

ایران در مذاکرات خود بارها به تجربه تلخ اورودیف اشاره کرده‌است و تأکید می‌کند که عدم ایفای تعهدات اورودیف به بهانه تحریم‌ها، ایران را نسبت به قرار گرفتن تأسیسات غنی‌سازی در خارج از خاک خود بدبین کرده‌است. با این حال ایران در پی بحران پرونده هسته‌ای و آغاز مذاکرات با طرف‌های غربی چند بار ایده تأسیس یک کنسرسیوم تولید سوخت هسته‌ای تحت مدیریت غیرایرانی با مشترک را در خاک ایران مطرح کرده‌است.

▼ پیشنهاد دو دهه‌ای

یکی از نخستین اشاره‌ها به ایجاد کنسرسیوم غنی‌سازی سوخت هسته‌ای در خاک ایران به سال ۱۳۸۵ بر می‌گردد. علی لاریجانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران در فروردین ۱۳۸۵ در گفت‌وگویی با نشریه فرانسوی لپوین گفت: «می‌توان تصور نمود که یک شرکت بین‌المللی تأسیس شده تا این فعالیت‌ها را در بخشی از خاک ایران که به این شرکت واگذار می‌گردد، انجام دهد. بدین شیوه می‌توانیم به دو هدف خود برسیم. از سویی فعالیت‌های پژوهشی را دنبال و از سوی دیگر برای نیروگاه‌های برق هسته‌ای که قصد داریم بسازیم، سوخت هسته‌ای مورد نیاز را تولید کنیم.» لاریجانی در این مصاحبه در خصوص سازوکار تأسیس چنین شرکتی توضیح داد: «تأسیس شرکتی مشترک را در نظر داریم که سرمایه‌گذاری آن بین چند کشور مانند ما، فرانسه، آلمان و روسیه تقسیم خواهد شد. آن بخش از خاک ایران که به این شرکت برای مدت زمانی که باید تعیین شود و می‌تواند بسیار طولانی باشد، اجاره داده خواهد شد.»

مهرماه همان سال محمد سعیدی، عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران این بار ایده غنی‌سازی اورانیوم توسط فرانسه در خاک ایران را مطرح کرد. سعیدی، معاون وقت سازمان انرژی اتمی، در گفت‌وگو با یک شبکه رادیویی فرانسوی گفت: «فرانسه رأس‌ای می‌تواند یک کنسرسیوم بین‌المللی برای تولید سوخت هسته‌ای در ایران تشکیل دهد، فرانسه از طریق شرکت‌های هسته‌ای‌اش اورودیف و آره‌وی می‌تواند به شکل ملموس بر فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران نظارت کند.»

در این دوران، پیشنهاد متقابل از سوی روسیه مطرح شده‌بود. ایده روسیه تشکیل یک کنسرسیوم بین‌المللی با همکاری روسیه و کشورهای اروپایی در خارج از خاک ایران برای تولید سوخت هسته‌ای و واگذاری محصول به ایران بود. علی لاریجانی در گفت‌وگو با خاویر سولانا، کمیسر وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا تأکید کرد که ایران تنها در صورتی این پیشنهاد را می‌پذیرد که تأسیسات غنی‌سازی مذکور در خاک ایران قرار داشته‌باشد. این موضوع مورد توافق طرف غربی قرار نگرفت، اما به نوشته واشنگتن پست براساس

آژانس برزیلی-آرژانتینی حسابرسی و کنترل (ABACC) می‌تواند یک پروژه جذاب برای عربستان سعودی و ایران باشد که از آن الگو بگیرند. آرژانتین و برزیل در آن زمان دو کشور رقیب و بی‌اعتماد به یکدیگر با حکومت‌هایی غیردموکراتیک بودند. در آن دوران به اشتراک گذاشتن اطلاعات در مورد برنامه هسته‌ای هم به‌فرآیند کنار گذاشتن خصومت دو جانبه کمک کرد و هم نتیجه این اتفاق بود. البته این فرآیند آشتی با جوانه زدن دموکراسی در دو کشور تقویت شد. یک تفاوت که میان وضعیت آن زمان آمریکای جنوبی با خاورمیانه کنونی وجود دارد، این است که در آن دوران آرژانتین و برزیل زمانی که گفت‌وگو برای تأسیس آژانس حسابرسی و کنترل (ABACC) را آغاز کردند، کاملاً تحت نظارت پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار نداشتند. در واقع در آن دوران نظارت‌های پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در واقع مکمل نظارت‌های پادمانی آژانس حسابرسی و کنترل محسوب می‌شد. در خاورمیانه وضعیت برعکس است؛ ایران و عربستان سعودی هر دو تحت نظارت پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارند و توافق دو جانبه مکمل

پیشنهاد دهندگان علنی کنسرسیوم سوخت هسته‌ای در ادوار مختلف



علی لاریجانی
۱۳۸۵



محمد سعیدی
۱۳۸۵



محمود احمدی‌نژاد
۱۳۸۶



سعود القیصل
۱۳۸۶



علی‌اکبر صالحی
۱۳۸۹



سیدحسین موسویان
۱۴۰۴

تأسیسات را مصادره کند و پرسنل خارجی را از خاک خود اخراج کند اما بخش اعظم صحبت‌ها در مورد کنسرسیوم مربوط به زمانی بود که ایران هنوز غنی‌سازی اورانیوم با سانتریفیوژهای پیشرفته در مقیاس وسیع را آغاز نکرده‌بود. امروز تأسیسات غنی‌سازی ایران در مرحله‌ای غیرقابل بازگشت از پیشرفت قرار گرفته‌اند و ایده‌های جدید کنسرسیوم، نه به معنای ساخت تأسیسات جدید بلکه به معنای ایجاد فرآیندهای مدیریتی و نظارتی مشترک با دیگر کشورها است. احیای ایده کنسرسیوم، شاید با تمایل عربستان سعودی به ایجاد برنامه غنی‌سازی بومی در خاک خودش بی‌ارتباط نباشد. اشاره مذاکره‌کننده پیشین هسته‌ای ایران به تشکیل کنسرسیوم کشورهای کرانه خلیج فارس و خبر نیویورک‌تایمز در مورد احتمال مطرح شدن یک کشور عربی منطقه به عنوان شریک ایران در کنسرسیوم غنی‌سازی، از همین موضوع ناشی می‌شود. ایده جدید بر این مبنا است که با مشارکت عربستان سعودی در برنامه غنی‌سازی ایران، واشنگتن با یک تیر دو نشان بزند و هم سازوکار نظارت و بازرسی جدیدی از طریق یک کشور همسایه در برنامه غنی‌سازی ایران ایجاد کند و هم جاه‌طلبی‌های هسته‌ای سعودی را به نحوی کنترل کند. موضوع کنسرسیوم منطقه‌ای هم در گذشته بارها مطرح شده‌بود. سعود القیصل، وزیر خارجه وقت عربستان سعودی، سال ۱۳۸۶ پیشنهاد داده‌بود که کنسرسیوم تولید سوخت هسته‌ای با مشارکت ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در یک کشور بی‌طرف مانند سوئیس ایجاد شود. البته این پیشنهاد با توجه به اصرار ایران بر قرار گرفتن تأسیسات غنی‌سازی در خاک ایران مورد توجه قرار نگرفت. با این حال در همان دوران هم مقام‌های ارشد ایرانی پیشنهاد می‌دادند که کشورهای دیگر، از جمله کشورهای عربی منطقه، می‌توانند از دانش فنی ایران برای غنی‌سازی بهره‌مند شوند. محمدجواد لاریجانی، دیپلمات پیشین ایران در همان دوران با این ادعا که آمریکا هرگز حاضر نمی‌شود فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای در اختیار کشورهای عربی منطقه قرار دهد، از کشورهایی مانند عربستان دعوت کرده‌بود که به ایران بیایند و از فناوری‌های ایران برای پیشبرد برنامه هسته‌ای خود استفاده کنند. این موضوع در سخنان محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت ایران هم انعکاس یافته‌بود.

موقعیت هسته‌ای کشورهای منطقه نسبت به دو دهه پیش تغییر چشمگیری پیدا کرده‌است. مصر و ترکیه در حال حاضر در آستانه بهره‌برداری از نیروگاه‌های هسته‌ای هستند که روسیه برای آنها ساخته‌است، هر چند برخلاف نیروگاه هسته‌ای بوشهر، دولت‌های مصر و ترکیه نقشی در مدیریت بهره‌برداری و تأمین سوخت نیروگاه‌های‌شان نخواهند داشت و روسیه به صورت کامل بهره‌برداری و مدیریت نیروگاه‌ها را در اختیار دارد. امارات متحده عربی هم در طول سال‌های گذشته بخش بزرگی از نیروگاه براکه را که توسط کره جنوبی و با فناوری آمریکایی ساخته‌شده‌است، مورد بهره‌برداری قرار داده‌است. در حال حاضر میزان تولید برق هسته‌ای امارات بیش از ۵ برابر ظرفیت تولید برق هسته‌ای ایران است. تأمین سوخت نیروگاه هسته‌ای امارات نیز توسط کره جنوبی تضمین شده‌است و در عین حال ابوظبی با امضای توافقنامه‌ای با ایالات متحده آمریکا برای همیشه از حق خود برای غنی‌سازی اورانیوم و تولید سوخت هسته‌ای در خاک این کشور چشم‌پوشی کرده‌است.

▼ ایران همین حالا هم صاحب سهم کنسرسیوم است

ایده تشکیل کنسرسیوم تولید سوخت هسته‌ای برای برنامه هسته‌ای ایران قدمتی به اندازه عمر برنامه هسته‌ای ایران دارد. ایران نخستین بار سال ۱۳۵۳، یک سال قبل از انعقاد قرارداد ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر، وارد ترتیبات تولید سوخت هسته‌ای در اروپا شد. با تشکیل «شرکت فرانسوی-ایرانی غنی‌سازی اورانیوم از طریق انتشارات گازی (SOFIDIF) که

دارد در برنامه‌ای مشارکت کند که شریک دوم محسوب شود و آیا می‌پذیرد که برنامه غنی‌سازی خارج از خاک خودش در خاک ایران باشد؟ احتمالاً ریاض این موضوع را نخواهد پذیرفت. اما اگر فرض کنیم عربستان سعودی قرار باشد میزبان تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم باشد چطور؟ این بار ایران است که حاضر نیست چنین چیزی را بپذیرد. میزبانی از تأسیسات در یک کشور ثالث ممکن است بخشی از این موانع را برطرف کند، اما اضافه کردن یک شریک سوم به خودی خود پیچیدگی‌های بیشتری را به مسئله اضافه خواهد کرد. در مجموع می‌توان گفت که این ایده، موضوع جذابی برای پژوهشگران و روزنامه‌نگاران است که در مورد آن بحث و گفت‌وگو کنند، اما برای اینکه دولت‌ها از آن حمایت کنند، بیش از اندازه غیرعملی است.

«برخی از کارشناسان چنین اقدامی را با تأسیس

برنامه مشترک نظارت بر غنی‌سازی

اورانیوم بین آرژانتین و برزیل

(ABACC) مقایسه می‌کنند. فکر

می‌کنید شرایط کنونی ایران و

عربستان سعودی تا چه اندازه

مشابه شرایط آرژانتین و برزیل

در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل

دهه ۱۹۹۰ باشد؟

دیپلمات‌ها



هشدار به اروپا

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ایران موضع خود را به‌روشنی اعلام کرده است. ما به‌صورت رسمی به تمامی امضاکنندگان برجام هشدار داده‌ایم که هرگونه سوءاستفاده از سازوکار بازگشت خودکار تحریم‌ها (Snapback) پیامدهایی به‌دنبال خواهد داشت: نه‌تنها پایان نقش اروپا در این توافق را رقم خواهد زد، بلکه ممکن است به تشدید تنش‌هایی منجر شود که بازگشتی برای آنها متصور نیست.» عراقچی تأکید کرد: «سه کشور اروپایی (E۳) باید از خودپرسند چگونه کار به این بن‌بست کشیده شده است. در پی رایزنی‌های اخیر با روسیه و چین، آمادگی خود را برای سفر به پاریس، برلین و لندن جهت آغاز فصلی تازه در روابط ابراز کردم. این ابتکار منجر به انجام گفت‌وگوهای مقدماتی در سطح معاونان وزرای امور خارجه شد؛ آغازی شکننده، اما امیدبخش. با این حال، زمان به سرعت در حال گذر است.» وزیر خارجه تأکید کرده است: «نخوه پاسخ ما به این لحظه حساس، آینده روابط ایران و اروپا را بسیار عمیق‌تر از آنچه بسیاری تصور می‌کنند، رقم خواهد زد. ایران آماده است که ورق را برگرداند. امیدواریم که شرکای اروپایی ما نیز چنین اراده‌ای داشته باشند.»



گزارش ویتکاف به اسرائیل

استیو ویتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور ایالات متحده در امور غرب آسیا دوشنبه وارد سرزمین‌های اشغالی شد تا با مقامات اسرائیل دیدار کند و آنها را برای حصول توافقی با حماس تحت فشار قرار دهد. خبرگزاری آسوشیتدپرس هم‌زمان با سفر ویتکاف گزارش داد که او قرار است بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و کابینه او را از آخرین تحولات مذاکرات هسته‌ای تهران و واشنگتن که چهارمین دور آن روز یکشنبه در مسقط، پایتخت عمان برگزار شد، مطلع کند. مقام ارشد آمریکایی همچنین با نخست‌وزیر در مورد تلاش‌ها برای گسترش توافق آزادی آسرا گفت‌وگو خواهد کرد. بنابر گزارش شبکه سی‌ان‌ان، یک منبع آمریکایی بیانیه حماس در این مورد را تأیید کرد که گفته است: «بلافاصله پس از تکمیل این روند، ما وارد مذاکرات جامع در مورد یک توافق گسترده‌تر خواهیم شد.»

ادامه سر مقاله

راح‌حل منطقه‌آوردن بیگانه به داخل منطقه برای حل اختلافات و تعارضات نیست. قطعاً باید با همه کشورها ارتباط و مراوده داشت؛ ولی وارد کردن آنها در معادلات منطقه‌ای زهر کشنده است و مسائل و اختلافات را پیچیده‌تر و غیرقابل حل‌تر می‌کند. اگر از این زاویه نگاه کنیم سفر منطقه‌ای ترامپ می‌تواند هم فرصت باشد و هم تهدید. قدرت‌های جهانی را نه می‌توان نادیده گرفت و نه مفید است که چنین رویه‌ای داشت. گفت‌وگوهای کنونی ایران و آمریکا نشان‌دهنده روشنی از عقیم بودن این نادیده‌انگاری است. ولی این به معنای پذیرش سیاست‌های دخالت‌جویانه و سلطه‌گرانه نیست. میان این دو حالت مرز باریکی وجود دارد. نه‌فقط آمریکا که اتحادیه اروپا و چین و روسیه را هم نباید نادیده‌انگاری کرد. بنابراین، اکنون که مذاکرات ایران و آمریکا در جریان است؛ باید پیام روشنی مخابره کرد که خط‌مشی منطقه‌ای ایران چگونه است. خطی که باید شامل بازی برد-برد برای همه کشورهای منطقه و با مشارکت همه قدرت‌های جهانی باشد. سیاستی که نفی حتی یک کشور را در دستور کار خود قرار دهد، پیشاپیش به زیان همه است. ظرفیت خاورمیانه قابل‌مقایسه با بسیاری از مناطق دیگر نیست. عدم بلوغ و توسعه‌نیافتگی سیاسی و رقابت‌های قومی و محلی بخش مهمی از ریشه‌های این وضعیت است.